

بررسی نقش تعدیل کننده قدرت مدیرعامل بر رابطه بین ویژگی کمیته حسابرسی و عملکرد مالی

محمد بهمه*^۱ | زهرا طهمورثی^۲ | حسن زارع^۳

چکیده

شرکت ها در اقتصادهای در حال توسعه به طور کلی راه هایی برای افزایش شهرت و رشد خود در بازار پیدا می کنند. در این زمینه، یک کمیته حسابرسی (AC) متشکل از اعضای ماهر متعددی است که فعالیت های حسابرسی را کنترل و نظارت می کنند و تصویر شفافی از شرکت خود ارائه می دهند که به طور خودکار سرمایه گذاران را جذب می کند و اعتماد سرمایه گذار را ایجاد می کند. بنابراین، این مطالعه از قدرت مدیرعامل به عنوان عوامل تعدیل کننده برای بررسی ارتباط بین کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت استفاده کرد. برای این منظور، این پژوهش با استفاده از داده های شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱، از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، مدل اثر ثابت (FE) و روش تعمیم یافته استفاده کرد. برای بررسی استحکام نتایج، این پژوهش از مدل حداقل مربعات تعمیم یافته ی (FGLS) استفاده کرد. یافته های این پژوهش نشان داد که اندازه کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت با یکدیگر ارتباط منفی دارند. اما بین استقلال کمیته حسابرسی و اظهارنظر حسابرس با عملکرد شرکت ارتباطی وجود ندارد. از طرفی قدرت مدیرعامل بر رابطه بین کمیته حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی) و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تأثیر معناداری ندارد.

واژه های کلیدی: قدرت مدیرعامل، کمیته حسابرسی و عملکرد مالی.

^۱ نویسنده مسئول: دانشجوی رشته حسابداری دانشگاه آزاد واحد فیروزآباد، ایران/

mohammadbahma1370@gmail.com

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد بیضا فارس، ایران

^۳ دانشجوی رشته حسابداری دانشگاه آزاد واحد فیروزآباد، ایران

مقدمه

شرکت‌ها در اقتصادهای در حال توسعه به طور کلی راه‌هایی برای افزایش شهرت و رشد خود در بازار بین‌المللی پیدا می‌کنند. در این زمینه، یک کمیته حسابرسی متشکل از اعضای ماهر متعددی است که فعالیت‌های حسابرسی را کنترل و نظارت می‌کنند و تصویر شفافی از شرکت خود ارائه می‌دهند که به طور خودکار سرمایه‌گذاران را جذب می‌کند و اعتماد سرمایه‌گذار را ایجاد می‌کند. از وظایف مهم کمیته حسابرسی، می‌توان به بررسی برنامه اولیه حسابرسی و نتایج مربوط به آن و تعامل با حساب‌برسان مستقل در فرایند گزارشگری مالی اشاره کرد. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی حاکمیت شرکتی، وظیفه بررسی برنامه اولیه حسابرسی و تعامل با حساب‌برسان مستقل در فرایند گزارشگری مالی را بر عهده دارد. از این رو، انتظار می‌رود بر عملکرد مالی شرکت اثرگذار باشد. در حقیقت عملکرد شرکت عامل مهمی در تغییر ارزش بازار سهام و در نتیجه، تغییر ثروت سهامداران است. با توجه به رشد واحدهای تجاری و تأسیس شرکت‌های سهامی و اینکه هر یک از سهامداران دارای علائق و انتظارات متفاوتی هستند، هدف نهایی و عامل مشترک بین همه مدیران شرکت‌ها، حداکثر ساختن ارزش سرمایه‌گذاری انجام شده در شرکت است (جامعی و نجفی، ۱۳۹۸). از این رو می‌توان گفت کمیته حسابرسی یک رویکرد سودآور برای افزایش عملکرد شرکت است. از این رو برای اجرای یک کمیته حسابرسی فعال، حاکمیت شرکتی خوب ضروری است. در این زمینه ارشد و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که کمیته حسابرسی نه تنها عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد، بلکه شهرت شرکت را در بازار نیز افزایش می‌دهد. این در حالی است که بانسال و شارما (۲۰۱۶) معتقد است کمیته حسابرسی، با اعمال فشار بر حسابرسی داخلی منجر به سودآوری کمتر می‌شود و عملکرد شرکت را بهبود نمی‌بخشد (هاچینسون و زین، ۲۰۰۹). از آنجایی که متون تجربی شواهد مختلفی در مورد ارتباط بین کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت نشان داده‌اند، ادبیات موجود را می‌توان به واسطه حدسیات ضمنی و ساده از طریق قدرت مدیرعامل به منظور ارائه اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری بهتر استفاده‌کنندگان به چالش کشید (جاوید و همکاران، ۲۰۲۱).

امروزه در دنیای رقابتی فشار زیادی برای دستیابی سریع به نتایج مطلوب و به تبع آن تصمیم‌گیری‌های سریع وجود دارد که مدیران به‌ویژه مدیرعامل در اجرای این مهم نقش حیاتی دارند و گاه در اثر نرسیدن به نتایج مطلوب در زودترین زمان ممکن تغییرات مدیریتی در سازمان صورت می‌گیرد (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، مدیر در نقش رهبر بر عملکرد گروهی تأثیر بسزایی دارد و به عنوان یک رکن اساسی در پیشبرد اهداف سازمان مطرح است. بدون شک قدرت و توانایی یکی از راه‌هایی است که با آن رهبر و مدیر می‌توانند در رفتار پیروان خود نفوذ کنند. از این رو توانایی، ویژگی اساسی نقش یک مدیر بوده و زمینه اثربخشی او را در سازمان فراهم می‌سازد. مدیران در سازمان‌ها، واضعان خط‌مشی و صاحبان قدرت هستند و عملکرد سازمان‌ها با قدرت و توانایی آنان در ارتباط است. مدیران با به‌کارگیری توانایی خود می‌توانند زمینه رشد و تعالی یا زمینه انحراف و فساد سازمان را فراهم آورند و این امر به ماهیت وجودی و چگونگی استفاده از قدرت آن بستگی دارد (پورقاز و محمدی، ۱۳۹۰؛ یاری داریونی و همکاران، ۱۳۹۴). پس می‌توان اذعان داشت که بخش عظیمی از تصمیمات کلیدی مهم شرکت توسط مدیرعامل اتخاذ می‌شود؛ مطالعات گسترده‌ای در این خصوص انجام پذیرفته که نشان می‌دهد زمانی که مدیران به عنوان مدیرعامل شرکت منصوب می‌شوند به دلیل اینکه دوره تصدی بلندمدتی را برای خود پیش‌بینی نمی‌کنند،

صرفاً جهت تأمین منابع سهامداران حرکت نمی‌کنند بلکه از مدت کوتاهی که در این سمت قرار دارند در راستای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ به همین دلیل ممکن است مدیران در زمانی که سود در شرکت بالاست، بجای توزیع سود بین سهامداران، منافع شخصی و قدرتش را افزایش دهند و منجر به کاهش عملکرد شرکت شوند (هیونگ‌ها، ۲۰۱۱). این در حالی است که پاپاداکیس (۲۰۰۶) اظهار داشت که سهامداران مدیرعامل را رهبر برای افزایش ارزش شرکت می‌دانند، چراکه موجب کاهش ریسک شرکت و ایجاد سیاست‌های سرمایه‌گذاری و مالی ارزشمند می‌شود. پس یک مدیرعامل قدرتمند می‌تواند وضعیت و شهرت خود را با به‌کارگیری تمام تلاش‌ها برای بهبود عملکرد شرکت مدیریت کند (بایلیس، ۲۰۰۹). در واقع، یک مدیرعامل قدرتمند با ایجاد یک کمیته حسابرسی مستقل به سهامداران و سرمایه‌گذاران این اطمینان را می‌دهد که همه اقدامات مالی و غیرمالی شفاف و عاری از خطا هستند. علاوه بر این، یک حاکمیت شرکتی خوب با قدرت مدیرعامل، شفافیت شرکت را در قالب گزارشگری مالی و عملکرد شرکت افزایش می‌دهد (لیئو و همکاران، ۲۰۱۴؛ بوزنبارک و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین با توجه به آنچه مطرح شد، پژوهش حاضر با شناخت و بررسی تأثیر نقش تعدیل‌کننده قدرت مدیرعامل بر رابطه بین کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در تلاش است مبانی کاربردی برای بازیگران بازار سرمایه شامل سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل و.... را فراهم آورد.

مبانی نظری

بدون شک یکی از اهداف اصلی شرکت‌ها، افزایش ثروت سهامداران بوده و بدیهی است این مهم در گروه عملکرد آن‌ها در بازار است (نمازی و مرادی، ۱۳۸۴). شواهد تجربی بسیاری مبنی بر اینکه تصمیم‌های سرمایه‌گذاران تحت تأثیر تضاد منافع قرار می‌گیرد. در واقع مالکان و مدیرانی که در یک سازمان کار می‌کنند، ممکن است در مورد اطلاعات نامتقارن و هزینه نمایندگی اختلاف نظر داشته باشند. در این زمینه، تئوری نمایندگی معتقد است که این تعارض‌ها را می‌توان با ارائه انگیزه‌هایی به مدیران برای کارهای محدود با منفعت شخصی به حداقل رساندن یا کاهش داد (جنسین و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ هیل و جونز، ۱۹۹۲). در حقیقت مدیر با کمک مشوق‌ها می‌تواند بر فعالیت کارگزاران نظارت کند و رفتارهای منفعت طلبانه را کاهش دهد. بنابراین، نیاز به توسعه یک مکانیسم حاکمیت شرکتی قوی همون کمیته‌های حسابرسی مستقل به منظور به حداقل رساندن چنین رفتارهایی وجود دارد. کمیته حسابرسی یک رویکرد ارزشمند برای به حداقل رساندن اطلاعات نامتقارن بین مالکان و مدیریت است، زیرا یک کمیته‌های حسابرسی مستقل بر اقدامات شفاف سازمان تمرکز می‌کند، که به نوبه خود باعث ایجاد اعتماد بین مالکان و مدیران می‌شود (ویسمن و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین کمیته‌های حسابرسی تضمین می‌کند که تمام فعالیت‌های حسابرسی انجام شده توسط حسابرس داخلی، مطابق با قوانین و مقررات سازمان، استانداردهای حسابداری، قوانین مالی و غیره، درست و منصفانه است (پاور^۴، ۲۰۰۳). علاوه بر این، کمیته‌های حسابرسی تضمینی را برای حسابرس خارجی برای استقلال آنها فراهم می‌کند. به‌طور کلی، یک کمیته‌های حسابرسی از مدیران مستقلی تشکیل شده است که دارای مزایای متعددی مانند عدم فشار از سوی مدیریت یا سایر طرف‌ها هستند و معمولاً کیفیت حسابرسی

⁴ Power

بالا تر با استقلال حسابرس مرتبط است (غفران و اوسالیوان^۵، ۲۰۱۳). چان و لی^۶ (۲۰۰۳) ادعا کردند که مدیران مستقل در کمیته های حسابرسی بر عملیات مالی شرکت ها تمرکز می کنند، که متعاقباً شانس تقلب را به حداقل می رساند و عملکرد شرکت را بهبود می بخشد. از طرفی دیگر همان گونه که مطرح شد، حاکمیت شرکتی یک عنصر اصلی برای هر شرکتی است. از این رو، یک مدیرعامل قدرتمندترین نهاد در مکانیسم حاکمیت شرکتی در نظر گرفته می شود و ممکن است بر سیاست گذاری یک شرکت تأثیر بگذارد. بنابراین، تئوری های متعددی برای بررسی نقش قدرت مدیرعامل در عملکرد شرکت وجود دارد. به عنوان مثال، طبق تئوری اقتصادی، یک مدیرعامل قدرتمند ممکن است بین سهامداران و مدیران اختلاف ایجاد کند که در نتیجه مشکلات نمایندگی ایجاد می شود. همچنین تئوری نمایندگی ممکن است استدلال کند که یک مدیرعامل قدرتمند برای عملکرد شرکت خوب نیست، زیرا ممکن است هزینه نمایندگی را افزایش دهد. پس قدرت مدیرعامل همیشه برای عملکرد شرکت ارزشمند نیست (بیچوک و همکاران^۷، ۲۰۰۳؛ مورس و همکاران^۸، ۲۰۱۱). در مقابل، تئوری کارایی بیان می کند که یک مدیرعامل باید قدرتمند باشد. مزایای یک مدیرعامل قدرتمند بیشتر از هزینه نمایندگی است (بریکلی^۹، ۱۹۹۷). یک مدیرعامل قدرتمند قدرت اصلی تصمیم گیری را در اختیار دارد و مدیریت را برای عملکرد بهتر و پیروی از دستورالعمل های مدیرعامل کنترل می کند (یانگ و ژائو^{۱۰}، ۲۰۱۴). جدای از آن، تئوری سازمانی و مدیریتی نشان می دهد که یک مدیرعامل قدرتمند برای ارزش شرکت سودمند است (ساح و استیگلitz^{۱۱}، ۱۹۸۴). علاوه بر این، یک مدیرعامل قدرتمند یک عامل اصلی در مکانیسم حاکمیت شرکتی شرکت ها است (گوش و تانگ^{۱۲}، ۲۰۱۵)، که می خواهد حسابرسان مستقل را برای کیفیت بهتر و کاهش خطاها و تقلب ها استخدام کند. بنابراین، حسابرس باید اطمینان حاصل کند که تمام روشهای حسابرسی در زمانی که مدیرعامل قدرت دارد، دنبال می شود (چن و گول^{۱۳}، ۲۰۱۵). بنابراین یک مدیرعامل قدرتمند تلاش می کند تا عملکرد و شهرت شرکت را افزایش دهد تا وضعیت شرکت را در بازار حفظ کند (بیچوک و همکاران، ۲۰۰۲).

پیشینه پژوهش

با توجه به مطالب مطرح شده، پژوهشی که به صورت مستقیم به بررسی بررسی تأثیر نقش تعدیل کننده قدرت مدیرعامل در رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و عملکرد به طور همزمان پرداخته باشد، مشاهده نشده است. با این وجود، در ادامه به بیان پاره ای از پژوهش های تجربی پرداخته می شود که در این زمینه انجام شده و به نحوی با موضوع پژوهش ارتباط پیدا می کنند. افزون بر این، برخی از پژوهش ها به منظور ایجاد پشتوانه برای به کارگیری متغیرهای این پژوهش بیان شده است.

⁵ Ghafran & O'Sullivan

⁶ Chan & Li

⁷ Bebchuk et al

⁸ Morse et al

⁹ Brickley

¹⁰ Yang & Zhao

¹¹ Sah & Stiglitz

¹² Ghosh & Tang

¹³ Chen & Gul

کاشی (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام با تاکید بر نقش تعدیلگر ساختار مالکیت و مدیران زن در هیئت مدیره شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج پژوهش آن حاکی از آن است که بین قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام رابطه معناداری وجود دارد. همچنین حضور مدیران زن در هیئت مدیره بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. اما مالکیت متمرکز و مالکیت نهادی بر رابطه قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد. خواجهی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین قدرت مدیرعامل و تصمیم های ساختار سرمایه با تأکید بر نقش تعدیلگری اندازه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن ها حاکی از آن است که قدرت مدیرعامل، یکی از عوامل تأثیرگذار بر ساختار سرمایه شرکت ها است. همچنین، مدیران قدرتمند شرکت های بزرگ در تصمیم های تأمین مالی خود رویه مشابهی اتخاذ نمی کنند.

نادری و بهشتی (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه ی بین تعهد حرفه ای مسئولیت پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت ها پرداختند. نتایج پژوهش آن ها حاکی از آن است که از ابعاد اخلاقی مسئولیت پذیری شرکت ها؛ بعد حفظ محیط زیست، بعد راهبردی شرکت و بعد رفتار کسب و کار بر نرخ بازده دارایی تأثیر معنادار دارد. از سویی وجود رابطه منفی معنادار بین اصول اخلاقی مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد مالی بین شرکت ها، دلایل گوناگونی می تواند داشته باشد. مهم ترین آن، عدم توانایی شرکت ها در تبدیل عملکرد اجتماعی بهتر به عملکرد مالی بهتر است.

اباذری انگرابی و پاک مرام (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین چرخه تبدیل نقد و عملکرد مالی شرکت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن ها حاکی از آن است که چرخه تبدیل نقد بر عملکرد مالی تأثیر معنادار و منفی دارد.

لی و چن^{۱۴} (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر عملکرد شرکت با نقش تعدیل کننده اندازه شرکت پرداختند. نتایج پژوهش آن ها حاکی از آن بود که تنوع جنسیتی در هیئت مدیره تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که اندازه شرکت ممکن است تأثیر مثبت تنوع جنسیتی هیئت مدیره را بر عملکرد شرکت تضعیف کند

رمضان و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی، شمول مالی و ثبات مالی بخش بانکداری پرداختند. نتایج پژوهش آن ها حاکی از آن است که مسئولیت اجتماعی شرکت، سن و اندازه بانک، تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی، شمول مالی و ثبات مالی دارد. با این حال، سطح بالای اهرم موجب کاهش شمول مالی و ثبات مالی می شود، در حالی که شمول مالی ارتباط منفی با ملموس بودن دارایی ها دارد.

نماکاورانی و همکاران^{۱۵} (۲۰۲۱)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین ویژگی ها و کیفیت اطلاعات مالی کمیته حسابرسی با نقش تعدیل گر محیط اطلاعات داخلی و ارتباطات سیاسی پرداختند. نتایج پژوهش آن ها حاکی از آن است که بین کمیته حسابرسی و ویژگی های کیفیت اطلاعات مالی در ارتباطات سیاسی سطح بالا و همچنین بین دانش مالی و کیفیت اطلاعات مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

¹⁴ Li & Chen

¹⁵ Namakavarani et al

لی و همکاران^{۱۶} (۲۰۲۱)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر اعضای کمیته حسابرسی بر هزینه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که کمیته حسابرسی به میزان قابل توجهی هزینه‌های حسابرسی را افزایش می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش شامل یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی به شرح زیر است:
فرضیه اصلی:

قدرت مدیرعامل بر رابطه بین کمیته حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول مرتبط:

قدرت مدیرعامل بر رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تأثیر معناداری دارد.

قدرت مدیرعامل بر رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تأثیر معناداری دارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل اطلاعات مالی کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ می‌باشند. براساس شرایط زیر شرکت‌های عضو نمونه به صورت حذفی از بین شرکت‌های عضو جامعه آماری مدنظر قرار گرفته شده‌اند:

۱. شرکت‌های نمونه جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگها) نباشند؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبردی شرکتی در آن‌ها متفاوت است.
 ۲. سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.
 ۳. طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ تغییر سال مالی نداشته باشد.
 ۴. تا پایان سال مالی ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته باشند.
 ۵. در دوره زمانی موردنظر از بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.
 ۶. اطلاعات مالی موردنیاز این پژوهش از جمله ارتباطات سیاسی شرکت‌ها به همراه یادداشت‌های توضیحی به‌منظور استخراج داده‌های موردنیاز در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط فوق تعداد جامعه آماری در دسترس به ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تقلیل یافته و در نهایت به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

ابزارها، روش‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، جهت گردآوری مبانی نظری، ادبیات موضوع و مباحث تئوریک پژوهش از منابع کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات و مجلات موجود)، پایان‌نامه‌ها، نشریات معتبر بین‌المللی که به صورت آنلاین در پایگاه‌های اینترنتی موجود بوده و سایر پایگاه‌های علمی معتبر استفاده شده و همچنین، جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز برای انجام این پژوهش نیز، از صورت‌های مالی و گزارش‌های هیئت‌مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، داده‌های موجود در سایت کدال و نرم‌افزار ره آورد نوین بهره گرفته شده است. به همین منظور ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار اکسل طبقه‌بندی و سپس با کمک نرم‌افزارهای Eviews 7 و Stata 14 تجزیه و تحلیل نهایی صورت گرفته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های پس‌رویداری می‌باشد و از نظر هدف کاربردی است. با توجه به این که داده‌های پژوهش بدون دخالت محقق گردآوری شده از نوع پژوهش‌های نیمه تجربی قلمداد می‌شود و به جهت تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها از نوع پژوهش توصیفی-همبستگی می‌باشد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر عملکرد مالی شرکت می‌باشد. عملکرد اشاره به ماهیت و کیفیت عملی دارد که سازمان برای هدایت مأموریتش به سمت سودآوری انجام می‌دهد (شاهین^{۱۷}، ۲۰۰۱). در واقع، عملکرد شرکت یعنی اندازه‌گیری این موضوع که شرکت تا چه حدی به اهداف تعیین شده در برنامه‌های خود دست یافته است. نتیجه حاصل شده از ارزیابی عملکرد ابزاری برای پیش‌بینی برنامه‌های آتی و نیز بهبود نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف می‌باشد. در بحث ارزیابی عملکرد معمولاً این سوال مطرح می‌شود که کدام یک از معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها از اعتبار بیشتری برخوردار است. طبق نظر کنگ و همکاران (۲۰۱۵)، شیخ (۲۰۱۸)، جاوید و همکاران (۲۰۲۱) و میرزایی و همکاران (۱۳۹۲) از شاخص کیوتوبین (*Tobin's Q*) به عنوان شاخص عملکرد شرکت در این پژوهش در نظر گرفته شده است، زیرا اختلاف نتایج بین تنوع جنسیتی و عملکرد با استفاده از شاخص کیوتوبین بیشتر از شاخص‌های دیگر است و از مزیت ترکیب داده‌های مالی و بازار سهام برخوردار است (اوون و همکاران، ۲۰۲۱). در حقیقت عملکرد شرکت نشان‌دهنده مفهوم ارزش بازار سهام کنونی و آینده شرکت‌ها و رشد فعال آن است. پس شاخص کیوتوبین از رابطه زیر محاسبه شده است:

$$Tobin's Q = \frac{MVOCE + BVOLTD - (BVOSHTA - BVOSHTL)}{BVOTA}$$

¹⁷ Shahin

که در آن:

Tobin's Q: عملکرد شرکت

$MVOCE$ ^{۱۸}: ارزش بازار سهام عادی در پایان سال؛

$BVOLTD$ ^{۱۹}: ارزش دفتری بدهی‌های بلندمدت در پایان سال؛

$BVOSHTA$ ^{۲۰}: ارزش دفتری دارایی‌های جاری در پایان سال؛

$BVOSHTL$ ^{۲۱}: ارزش دفتری بدهی‌های جاری در پایان سال؛

$BVOTA$ ^{۲۲}: ارزش دفتری کل دارایی‌ها در پایان سال.

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر ویژگی‌های کمیته حسابرسی می‌باشد. کمیته حسابرسی یکی از ارکان اصلی نظام راهبری شرکتی است و همچنین یکی از مهم‌ترین کمیته‌های تخصصی هیئت‌مدیره محسوب می‌شود که موجب تقویت، سلامت و کیفیت گزارشگری مالی، بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی، بهبود عملکرد حساب‌رسان کمک به هیئت‌مدیره برای ایفای مسئولیت پاسخگویی و اطمینان از انطباق فعالیت‌های این واحدها با قوانین و مقررات و همچنین موجب جلوگیری از اعمال غیرقانونی مدیریت می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳).

استقلال کمیته حسابرسی: بر اساس بند یک ماده یک منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار سال (۱۳۹۱)، عضوی است که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانب‌داری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذینفعیان شود و یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۶). استقلال کمیته حسابرسی یک متغیر مجازی است به صورتی که اگر نسبت اعضای مستقل در کمیته حسابرسی به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت t در دوره t ، بیش از ۵۰٪ باشد، به آن عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیر این صورت عدد صفر برای آن منظور می‌شود (آپوهامی و تاشاکر، ۲۰۱۷).

اندازه کمیته حسابرسی: اندازه کمیته حسابرسی می‌تواند تأثیر سازنده‌ای روی کمیته داشته باشد. کمیته حسابرسی بزرگ‌تر می‌تواند با عضو کردن اعضای با تخصص‌های گوناگون برای انجام کنترل جدی‌تری بر رویه‌های گزارشگری مالی، تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد (چوی و همکاران^{۲۳}، ۲۰۰۴). اندازه کمیته حسابرسی از طریق تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت t در دوره t سنجیده می‌شود (جاوید و همکاران، ۲۰۲۱).

متغیر تعدیل کننده

متغیر تعدیل کننده در پژوهش حاضر قدرت مدیرعامل می‌باشد. هرچه مدیرعامل تعداد سال‌های بیشتری در سمت مدیریت داشته باشد، تأثیرگذاری او بر عملیات شرکت بیشتر بوده و با توجه به موقعیت راهبری خود کنترل بیشتری

¹⁸ Market Value of all Common Stocks

¹⁹ Book Values of the Long Debts

²⁰ Book Values of the Current Assets

²¹ Book Values of the Current Debts

²² Book Values of the Total Assets

²³ Choi et al

بر تصمیمات حاکمیت شرکتی دارد (والنتی و همکاران^{۲۴}، ۲۰۱۱). برای اندازه گیری قدرت مدیرعامل، از تعداد سال‌هایی که مدیرعامل تصدی این سمت را به عهده داشته، محاسبه خواهد شد. بر اساس پژوهش ون (۲۰۱۷)، اگر سال‌های تصدی مدیرعامل بیش از ۳ سال باشد، مدیرعامل توانایی بیشتری خواهد داشت و عدد یک به آن تعلق می‌گیرد؛ و در صورتی که سال‌های تصدی آن کمتر از ۳ سال باشد، مدیرعامل قدرت کمتری خواهد داشت به آن عدد صفر تعلق می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی عوامل زیادی هستند که بر عملکرد شرکت‌ها اثر می‌گذارند (سعدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سلیمانی، ۱۳۹۸؛ علی همکاران، ۲۰۲۱؛ هان و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، به دلیل کم کردن انحراف نتایج پژوهش، تعدادی از این عوامل که اثر بیشتری بر نوآوری شرکت‌ها دارند به‌عنوان متغیرهای کنترلی پژوهش در نظر گرفته شده است، که عبارتند از:

اهرم مالی (LEV): برای محاسبه اهرم مالی از نسبت ارزش دفتری مجموع بدهی‌ها به ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها شرکت t در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود.

اندازه شرکت ($Size$): برای محاسبه متغیر اندازه شرکت از معیارهایی نظیر لگاریتم مجموع دارایی‌ها شرکت t در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود.

بازده دارایی‌ها (ROA): برای محاسبه متغیر بازده دارایی‌ها از سود قبل از مالیات و هزینه بهره (سود خالص عملیاتی) به میانگین مجموع دارایی‌ها شرکت t در پایان دوره زمانی t استفاده می‌شود.

الگو پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش برای محاسبه ویژگی کمیته حسابرسی از دو معیار استقلال و اندازه کمیته حسابرسی استفاده می‌شود، مدل فرضیه اصلی به دو مدل تبدیل می‌شود.

$$FP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDSIZE_{i,t} + \beta_2 CEO Power_{i,t} + \beta_3 AUDSIZE_{i,t} \times CEO Power_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$FP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDIND_{i,t} + \beta_2 CEO Power_{i,t} + \beta_3 AUDIND_{i,t} \times CEO Power_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

قبل از اینکه به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شود، در جدول (۲) شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به صورت خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| نام متغیرها | نماد | میانگین | میانه | انحراف معیار | حداقل | حداکثر |
|-----------------------|-----------|---------|--------|--------------|--------|--------|
| عملکرد شرکت | FP | ۱/۵۱۲ | ۱/۳۳۵ | ۰/۶۴۴ | ۰/۵۸۶ | ۶/۵۲۷ |
| اندازه کمیته حسابرسی | AUDSIZE | ۳/۰۳۸ | ۳/۰۰۰ | ۰/۴۵۶ | ۱/۰۰۰۰ | ۵/۰۰۰ |
| استقلال کمیته حسابرسی | AUDIND | ۰/۷۰۵ | ۰/۶۶۶ | ۰/۴۳۶ | ۰/۰۰۰۰ | ۱/۰۰۰ |
| قدرت مدیرعامل | CEO Power | ۰/۰۲۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۴۱ | ۰/۰۰۰ | ۱/۰۰۰ |
| اهرم مالی | LEV | ۰/۵۶۲ | ۰/۵۶۴ | ۰/۲۲۱ | ۰/۰۱۳ | ۲/۰۷۸ |
| اندازه شرکت | Size | ۱۴/۶۶۵ | ۱۴/۴۶۸ | ۱/۵۴۸ | ۱۰/۳۵۲ | ۲۰/۷۶۹ |
| بازده دارایی‌ها | ROA | ۰/۱۴۲ | ۰/۱۱۴ | ۰/۱۵۵ | -۰/۴۰۴ | ۰/۸۳۰ |

برآورد مدل و آزمون فرضیه

پژوهش حاضر شامل یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی می‌باشد، برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده می‌شود. برای تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره نیاز است مفروضاتی نیز اعمال شود، که از جمله آن‌ها می‌توان به شامل همسانی واریانس، خود همبستگی و آزمون هم خطی، آزمون دوربین-واتسون و نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها اشاره کرد. برای اطمینان از همسانی واریانس از آزمون بروش-پاگان-گادفری استفاده می‌شود؛ همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار احتمال آماره F برای مدل‌های فرعی فرضیه اول بیش‌تر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد فرض همسانی واریانس جملات خطا برای این مدل برقرار است. اما مقدار احتمال آماره F برای مدل‌های فرعی فرضیه دوم کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد، بر همین اساس فرض صفر این آزمون مبنی بر همسانی واریانس قابل پذیرش نمی‌باشد و برای پیشگیری از دستیابی به نتایج کاذب رگرسیون از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS²⁵) استفاده شده است. آزمون نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌های مدل از مفروضه‌های تحلیل رگرسیون است؛ اما در صورتی که توزیع بدون چولگی شدید و تک‌نمایی باشد، توزیع نرمال بودن قابل توجیه است. با توجه به این که تعداد مشاهدات آماری پژوهش حاضر بیش از ۳۰ عدد می‌باشد (تعداد مشاهدات پژوهش حاضر ۵۸۰ سال-شرکت می‌باشد)؛ بنابراین فرض می‌شود داده‌ها به توزیع نرمال نزدیک بوده است (افلاطونی، ۱۳۹۴). در جدول (۳) نتایج آزمون لیمر و مفروضات مدل نمایش داده می‌شود.

جدول (۳): آزمون مفروضات مدل

| فرضیه‌ها | آزمون چاو | الگوی انتخابی | آزمون هاسمن | الگوی انتخابی | آزمون همسانی واریانس | نتیجه آزمون همسانی | دوربین واتسون |
|----------|-----------|---------------|-------------|---------------|----------------------|--------------------|---------------|
| فرعی اول | ۰/۰۰۰۰ | تابلویی | ۰/۰۰۰۰ | اثرات ثابت | ۰/۰۰۰۰ | عدم همسانی | ۱/۷۸ |
| فرعی دوم | ۰/۰۰۰۰ | تابلویی | ۰/۰۱۸۷ | اثرات ثابت | ۰/۰۰۰۰ | عدم همسانی | ۱/۲۹ |

²⁵ Generalized Least Square

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش حاضر حاکی از آن است که «قدرت مدیرعامل بر رابطه بین کمیته حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تأثیر معناداری دارد». با توجه به اینکه کمیته حسابرسی شامل اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی است، فرضیه اصلی نیز به دو فرضیه‌ی فرعی تقسیم و آزمون شده است. فرضیه فرعی اول مشتق شده از فرضیه اصلی پژوهش حاضر حاکی از آن است که «قدرت مدیرعامل بر رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تأثیر معناداری دارد». خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): خلاصه نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

| نام متغیرها | ضریب | مقدار آماره t | سطح خطا |
|---|-------------------|----------------------|---------|
| مقدار ثابت β_0 | ۰/۱۱۱ | ۵۳/۳۵ | ۰/۰۰۰ |
| اندازه کمیته حسابرسی β_1 | -۰/۰۰۱ | -۱/۴۱۹ | ۰/۱۵۶۱ |
| قدرت مدیرعامل β_2 | ۰/۰۰۹ | ۰/۷۸۲ | ۰/۴۳۴۰ |
| حاصلضرب قدرت مدیرعامل در اندازه کمیته حسابرسی β_3 | -۰/۰۳۵ | -۱/۸۹۴ | ۰/۰۵۸۴ |
| اهرم مالی β_4 | -۰/۰۰۵ | -۱/۸۷۹ | ۰/۰۶۰۵ |
| اندازه شرکت β_5 | ۰/۰۱۷ | ۰/۸۰۳ | ۰/۴۲۲۱ |
| بازده دارایی β_6 | -۰/۰۰۳ | -۱/۲۲۴ | ۰/۲۱۲۲ |
| آماره F (Prob.) | ۹۸/۲۵ (۰/۰۰۰۰) | ضریب تعیین | ۰/۹۱۹ |
| آماره دوربین واتسون | ۱/۷۶ | ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۹۱۰ |

همان‌گونه که در جدول بالا قابل مشاهده است، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اندازه کمیته حسابرسی بیشتر از ۵ درصد (۰/۱۵۶۱) است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که بین اندازه کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. از سوی دیگر، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر قدرت مدیرعامل هم نیز بیشتر از ۵ درصد (۰/۴۳۴۰) است؛ این یافته حاکی از این است که یک رابطه‌ای بین قدرت مدیرعامل و عملکرد شرکت وجود ندارد. در نهایت سطح معناداری محاسبه شده حاصلضرب قدرت مدیرعامل در اندازه کمیته حسابرسی هم بیش از ۵ درصد است. پس می‌توان گفت، فرضیه فرعی اول پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ پذیرش نخواهد شد. فرضیه فرعی دوم مشتق شده از فرضیه اصلی پژوهش حاضر حاکی از آن است که «قدرت مدیرعامل بر رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تأثیر معناداری دارد». خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): خلاصه نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

| نام متغیرها | ضریب | مقدار آماره t | سطح خطا |
|--|-------------------|----------------------|---------|
| مقدار ثابت β_0 | ۰/۱۰۸ | ۶۱/۵۳۵ | ۰/۰۰۰۰ |
| استقلال کمیته حسابرسی β_1 | ۸/۳۲ | ۰/۱۵۱ | ۰/۸۷۹۸ |
| قدرت مدیرعامل β_2 | ۰/۰۰۳ | ۰/۲۵۶ | ۰/۷۹۷۷ |
| حاصلضرب قدرت مدیرعامل استقلال در کمیته حسابرسی β_3 | -۰/۰۳۴ | -۲/۰۶۱ | ۰/۰۳۹۵ |
| اهرم مالی β_4 | -۰/۰۰۴ | -۱/۵۴۰ | ۰/۱۲۳۷ |
| اندازه شرکت β_5 | ۰/۰۱۵ | ۰/۶۲۷ | ۰/۵۳۰۷ |
| بازده دارایی β_6 | -۰/۰۰۲ | -۱/۰۰۰ | ۰/۳۱۷۳ |
| آماره F (Prob.) | ۹۸/۰۱ (۰/۰۰۰۰) | ضریب تعیین | ۰/۹۱۹ |
| آماره دوربین واتسون | ۱/۷۶ | ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۹۱۰ |

همان گونه که در جدول شماره (۳) قابل مشاهده است، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر استقلال کمیته حسابرسی بیشتر از ۵ درصد (۰/۸۷۹۸) است. از این رو، می توان نتیجه گرفت که بین استقلال کمیته حسابرسی با عملکرد مالی رابطه معناداری وجود ندارد. از سوی دیگر، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر قدرت مدیرعامل هم نیز بیشتر از ۵ درصد (۰/۷۹۷۷) است؛ این یافته حاکی از این است که یک رابطه ای بین قدرت مدیرعامل و عملکرد مالی وجود ندارد. در نهایت سطح معناداری محاسبه شده حاصلضرب قدرت مدیرعامل در استقلال کمیته حسابرسی هم کمتر از ۵ درصد (۰/۰۳۹۵) است؛ اما چون متغیرهای استقلال کمیته حسابرسی و تنوع قدرت مدیرعامل با عملکرد مالی رابطه ندارند، پس این معناداری در این رابطه تأثیر ناچیزی دارد. پس می توان گفت، فرضیه فرعی دوم پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ پذیرش نخواهد شد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی تأثیر نقش تعدیل کننده تمرکز مالکیت بر رابطه بین کمیته حسابرسی و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. در جهت هدف محوری پژوهش، این سؤال اساسی مطرح شد که آیا کمیته حسابرسی با در نظر گرفتن قدرت مدیرعامل تأثیری بر عملکرد شرکت ها دارد یا خیر. در این راستا یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی تدوین گردید. به منظور بررسی فرضیه های پژوهش با استفاده از مدل های رگرسیونی که در فصل سوم به طور مفصل توضیح داده شد، فرضیه های مزبور پژوهش تخمین زده شدند. سپس با استفاده از آزمون های t و F معناداری آن رگرسیون ها بررسی گردید. روش بررسی فرضیه های پژوهش، به طور مفصل در فصل سوم مورد بحث قرار گرفت. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که قبل از آزمون فرضیه های پژوهش و برآزش مدل نهایی به بررسی آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش، بررسی مناسبت مدل به لحاظ نرمال بودن، عدم همبستگی باقیمانده ها و ثبات واریانس باقیمانده ها پرداخته شد. در نهایت، فرضیات بررسی شد و مشخص گردید قدرت مدیرعامل بر رابطه بین کمیته حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته

حسابرسی) و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تأثیر معناداری ندارد. پس می‌توان از نتایج چنین استدلال کرد که یک مدیرعامل قدرتمند برای عملکرد شرکت خوب نیست، زیرا ممکن است هزینه نمایندگی را افزایش دهد. پس قدرت مدیرعامل همیشه برای عملکرد شرکت ارزشمند نیست (بیچوک و همکاران^{۲۶}، ۲۰۰۳؛ مورس و همکاران^{۲۷}، ۲۰۱۱). در نتیجه، تشکیل یک کمیته حسابرسی مستقل یک رویکرد مهم برای کاهش افزایش عملکرد نخواهد بود. بنابراین این نتایج با نتایج پژوهش جاوید و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت ندارد، چرا که آن‌ها معتقدند قدرت مدیرعامل به طور مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. پس شرکت‌ها برای ارتقای عملکرد شرکت سخت تلاش می‌کنند. علاوه بر این، تئوری سازمانی و مدیریتی و تئوری قدرت مدیریتی این نتیجه را پشتیبانی می‌کنند که یک مدیرعامل قدرتمند با اتخاذ تصمیمات عاقلانه و کنترل مدیریت، عملکرد شرکت را افزایش می‌دهد. بنابراین، هر مدیرعاملی به دنبال ابزارهای مثبت برای بهبود عملکرد تجاری است. جدای از آن، یک مدیرعامل قدرتمند ممکن است کنترل دقیقی بر تمام اقدامات سازمانی داشته باشد که به سودآوری بالاتر نیز منجر می‌شود.

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه پژوهش به شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود، گزارشات و اطلاعات لازم در خصوص قدرت مدیرعامل را جهت کمک به ذی‌نفعان داخلی و خارجی منتشر نمایند. همچنین به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود با اطلاع رسانی صحیح، شرکت‌هایی را که مدیران قدرت بالایی دارند و به طبع باعث افزایش عملکرد شرکت می‌شوند، به سرمایه‌گذاران معرفی نماید تا آنها بتوانند آگاهانه و متناسب با اهداف خویش در آن شرکت‌ها سرمایه‌گذاری نمایند و یک بانک اطلاعاتی در رابطه با اطلاعات مدیران برای دسترسی محققان و فعالان بازار راه‌اندازی شود.

در نهایت با توجه به اینکه تا کنون پژوهشی در این باره انجام نگرفته است بیش از این امکان مقایسه با سایر پژوهش‌ها وجود ندارد. از طرفی دیگر در این پژوهش برخی محدودیت‌ها وجود داشته است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و این که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه است، تعمیم نتایج به سایر شرکت‌ها باید با احتیاط انجام شود.

²⁶ Bebchuk et al

²⁷ Morse et al

منابع

- اباذری انگرابی، ف. و پاک مرام، ع. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین چرخه تبدیل نقد و عملکرد شرکت، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴۸(۳)، ۸۲-۹۷.
- اسدی، غ.، تجویدی، ا.، اسماعیل پور، س. (۱۴۰۰). بررسی رابطه وضعیت مالی و ویژگی های صنعت با سرعت تعدیل ساختار سرمایه. دانش سرمایه گذاری، ۱۰(۳۷)، ۱-۲۱.
- حجازی، ر. و اسکویی، م. (۱۳۸۶). مروری بر مفاهیم و ادبیات ارزش افزوده نقدی، نشریه دانش و پژوهش حسابداری، ۱۱(۳)، ۷۳-۲۹.
- رسانیان، ا. و اصغری، ج. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین معیارهای حسابداری ارزیابی عملکرد و ارزش افزوده اقتصادی (مورد مطالعه: بورس اوراق بهادار تهران). نامه اقتصادی، ۳(۱)، ۶۱-۱.
- محمودی، م. (۱۳۹۰). سنجش متغیرهای مالی ارزیابی عملکرد شرکت های بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از الگوریتم TOPSIS و تکنیک DEA (مورد مطالعه: بورس اوراق بهادار تهران). مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۷(۳)، ۱۲۱-۱۴۳.
- نادری، م. و بهشتی، س. ر. (۱۴۰۰). بررسی رابطه ی بین تعهد حرفه ای مسئولیت پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت ها، جهان نوین، ۱۵(۱)، ۴۹-۵۹.
- ناظمی، ح. ر. و عبدلی، م. ر. (۱۳۹۸). رابطه بازده با سود و جریان نقدی قبل و بعد از تجدید ارائه صورت های مالی. پژوهش های حسابداری مالی و مدیریت، ۱۱(۴۱)، ۶۹-۹۲.
- همتی، ح.، کاظمی، ح.، و رستمی، ز. (۱۳۹۲). تأثیر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی بر عملکرد مالی و شفافیت اطلاعاتی. پژوهش های کاربردی در گزارشگر مالی، ۲(۲)، صص ۱۲۳-۱۴۸.
- یاری داریونی، ف.؛ برزگری خانقاه، ج.، و ناظمی اردکانی، م. (۱۳۹۴). شاخصه های اندازه گیری قدرت مدیرعامل در چارچوب حاکمیت شرکتی، نخستین همایش بین المللی حسابداری، اقتصاد و بانکداری، تهران، مرکز همایش های توسعه ایران یحیی زاده فرد؛ م. شمس، ش و پاکدین امیری، م (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر فرصت های رشد در ارزش گذاری جریان نقدی آزاد، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۲.
- Abdullah, A. & Abdullah, B. (2019). Factors influencing Islamic banks' capital structure in developing economies, *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, <https://doi.org/10.1108/JIABR-02-2014-0008>.
- Berle, A.; Means, G.C. (1932.). *The Modern Corporation and Private Property*; Transaction Publishers: Piscatawa, NJ, USA,
- Bedard, J., Chtourou, S. M. & Courteau, L. (2004). The Effect of Audit Committee Expertise, Independence, and Activity on Aggressive Earnings Management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23 (2), 13-35.
- Beasley, M. S. & Salterio, S. (2001). The Relationship between Board Characteristics and Voluntary Improvements in Audit Committee Composition and Experience, *Contemporary Accounting Research*, 18 (4), 539-570.
- Chen, Y.; Gul, F.A.; Veeraraghavan, M.; Zolotoy, L. (2015), Executive equity risk-taking incentives and audit pricing. *Account. Rev.* 90, 2205-2234
- Chan, K.C.; Li, J. (2008). Audit committee and firm value: Evidence on outside top executives as expert-independent directors. *Corp. Gov. Int. Rev.* 2008, 16, 16-31.
- Javeed, S.A.; Ong, T.S.; Latief, R.; Muhamad, H.; Soh, W.N. (2021). Conceptualizing the Moderating Role of CEO Power and Ownership Concentration in the Relationship between Audit Committee and Firm Performance: Empirical Evidence from Pakistan. *Sustainability*, 13, 6329.

Lin, J.W.; Hwang, M.I. (2010). Audit quality, corporate governance, and earnings management: A meta-analysis. *Int. J. Audit.*, 14, 57–77.

Li, C., Pan, L., Chen, M. (2021). The Overseas Experience of Audit Committee and Audit Fees: Empirical Evidence from China, *Complexity*, Hindawi, 1-16

Namakavarani, Omid Mehri, Abbas Ali Daryaei, Davood Askarany, and Saeed Askary. (2021). Audit Committee Characteristics and Quality of Financial Information: The Role of the Internal Information Environment and Political Connections. *Journal of Risk and Financial Management* 14: 273.

Ozge, (2018). CEO ability and corporate opacity, *Global Finance Journal*, Elsevier, 35(C), 72-8

Ramli, N., Latanb, H., & Solovida., G. (2019). Determinants of capital structure and firm financial performance—A PLS-SEM approach: Evidence from Malaysia and Indonesia. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 71(3). 148-160.

Ramzan, M., Amin, M., & Abbas, M. (2021). How does corporate social responsibility affect financial performance, financial stability, and financial inclusion in the banking sector? Evidence from Pakistan, *Research in International Business and Finance*, 49(7), 1274 – 1303

Setia-Atmaja, L.Y. (2009). Governance mechanisms and firm value: The impact of ownership concentration and dividends. *Corp. Gov. Int. Rev.*, 17, 694–709.

Sah, R.; Stiglitz, J. (1984), *The Architecture of Economic Systems: Hierarchies and Polyarchies*. *Am. Econ. Rev.* 76, 716–727.

Sharma, V. D. & Iselin, E. R, (2012). The Association between Audit Committee Multiple-Directorships, Tenure, and Financial Misstatements, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(3), 149–75.

Sultana, N. & Van der Zahn, J.-L. W. M, (2013). Earnings Conservatism and Audit Committee Financial Expertise, *Accounting & Finance*, doi: 10.1111/acfi.12042.

Tang, J. (2017). CEO duality and firm performance: The moderating roles of other executives and blockholding outside directors. *Eur. Manag. J.*, 35, 362–372.

Tian, G.Y.; Twite, G. (2011). Corporate governance, external market discipline and firm productivity. *J. Corp. Financ.*, 17, 403–417.

Wiseman, R.M.; Cuevas-Rodríguez, G.; Gomez-Mejia, L.R. (2011), Towards a social theory of agency. *J. Manag. Stud.* 49, 202–222.

Investigating The Effect Moderating Role of CEO Power The Relationship between Audit Committee and Financial Performance Listed Firms on Tehran Stock Exchange

Mohammad behame*¹ | Zahra Tahmoursi² | Hasan Zare³

Abstract

Companies in developing economies generally find ways to increase their reputation and growth in the market. In this context, an audit committee (AC) consists of several skilled members who control and monitor audit activities and provide a clear picture of their company that automatically attracts investors and instills investor confidence. Creates. Therefore, this study used CEO power as moderating factors to investigate the relationship between audit committee and firm performance. For this purpose, this research used the ordinary least squares (OLS) method, the fixed effect (FE) model, and the generalized method using the data of the companies listed in the Tehran Stock Exchange for the period 2010-2011. To check the robustness of the results, this research used the generalized least squares (FGLS) model. The findings of this research showed that the size of the audit committee and the performance of the company have a negative relationship with each other. But there is no relationship between the independence of the audit committee and the auditor's opinion with the company's performance. On the other hand, the CEO's power has no significant effect on the relationship between the audit committee (the size of the audit committee and the independence of the audit committee) and the financial performance of the companies admitted to the stock exchange.

Keywords: CEO Power, Audit Committee, Financial Performance.

¹ Corresponding author: Accounting student of Azad University, Firozabad branch, Iran / mohammadbahma1370@gmail.com

² Assistant professor and faculty member of Beyza Azad University, Fars, Iran

³ Accounting student of Azad University, Firozabad branch, Iran.